مرگ ۱۶ هزار عضو حیات‌بخش در سال

بخش اجتماعی– هر روز ۷ تا ۱۰ بیمار که زندگی‌شان به عضو حیاتی بند است به خاطر نرسیدن آن عضو می‌میرند. این در حالی است که هر سال بین ۵ تا ۸ هزار نفر در ایران مرگ مغزی می‌شوند که برای ۳ هزار نفر آنها امکان اهدای عضو وجود دارد، اما از میان این تعداد فقط خانواده هزار بیمار مرگ مغزی اعضای بدن عزیزشان را اهدا می‌کنند.

به گزارش ایسنا، روزنامه «ایران» در ادامه نوشت: روز ملی اهدای عضو یادآور انسان‌های فداکاری است که بعد از مرگ، نام و یاد آنها برای همیشه زنده می‌ماند؛ انسان‌هایی که قبل از مرگ هم به بخشش زندگی به دیگران فکر می‌کنند. ۳۱ اردیبهشت برای پاسداشت انسان‌هایی است که اعضای بدن آنها به جای از بین رفتن زیر خاک، زندگی را در بدن انسان‌هایی که سال‌ها با درد و رنج بیماری زندگی می‌کنند به جریان می‌اندازد.

اردیبهشت سال ۱۳۶۸ بعد از فتوای امام خمینی (ره) مبنی بر مجاز بودن اهدای عضو از بیماران مرگ مغزی، ایران در صدر کشورهای منطقه در زمینه اهدای عضو قرار گرفت.

به بهانه سالروز ملی اهدای عضو با دکتر کتایون نجفی‌زاده مدیرعامل اهدای عضو ایرانیان درباره جایگاه ایران در اهدای عضو، ضرورت فرهنگ‌سازی در این زمینه، تفاوت کما و مرگ مغزی و دلایل مقاومت برخی خانواده‌ها در اهدای عضو بیمار مرگ مغزی گفت‌وگویی انجام دادیم:

*** وضعیت اهدای عضو در دوران کرونا به چه شکل بود و الان ایران در این زمینه در چه جایگاهی قرار دارد؟**

سال ۲۰۱۹ قبل از کرونا ایران رتبه اول آسیا در بخش اهدای عضو را به دست آورد و این بالاترین رتبه اهدای عضو بود که در این سال‌ها کسب شد. واحد شمارش اهدای عضو تعداد نفرات است که در یک میلیون نفر اعضای بدنشان را اهدا می‌کنند. قبل از کرونا ایران به رقم ۱۴/۳ در یک میلیون نفر رسید و این باعث افتخار ایران بود. حتی قبل از اینکه قانون اهدای عضو به تصویب برسد، اهدای عضو در ایران شروع شد؛ اما با شیوع ویروس کرونا کادر درمان و تخت‌های بیمارستان‌ها دراختیار بیماران کرونایی قرار گرفت. علاوه بر آن برداشت عضو از بیماران مرگ مغزی که مشکوک به کرونا بودند شرایط را سخت‌تر کرد. همکاران من با توجه به اینکه ایمنی فرد دریافت کننده عضو پایین می‌آید باید بررسی کاملی روی بیمار مرگ مغزی انجام می‌دادند تا از نبود ویروس در بدن او مطمئن شوند. در نتیجه کار و زمان زیادی می‌برد تا بخواهیم اعضای بدن یک بیمار مرگ مغزی را به کسی که نیازمند به عضو بود، پیوند بزنیم. به‌همین دلیل پزشکان ما مجبور می‌شدند به چندین روش سعی کنند کرونا را در بیمار مرگ مغزی بررسی نمایند تا بتوانند اعضای بدن او را اهدا کنند. درنتیجه تعداد اهدای عضو بشدت پایین آمد. رقم اهدای عضو از ۱۴/۷ به ۷ کاهش پیدا کرد. خوشبختانه در سال ۱۴۰۰ دوباره واحدهای اهدای عضو تلاش کردند و با کار دو شیفته توانستند افراد مرگ مغزی را شناسایی و رقم اهدای عضو را به عدد ۱۰ برسانند. متأسفانه آمارمرگ بیماران در لیست انتظار پیوند در ایران روزی ۷ تا ۱۰ نفر است. یعنی هر ۳ساعت یک نفر در لیست انتظار گرفتن عضو، فوت می‌کند. این آمار مربوط به زمان‌هایی است که در بهترین شرایط اهدای عضو قرار داشتیم. در دوران کرونا آمار اهدای عضو نصف شد و به این ترتیب مرگ بیماران در لیست انتظار پیوند دوبرابر شد. افزایش مرگ‌ومیرها باعث شد تیم‌های اهدای عضو تلاششان را چند برابر کنند تا بتوانیم این افت را جبران کنیم. خوشبختانه تا حدود زیادی موفق شدیم ولی هنوز تا آمارهای جهانی خیلی فاصله داریم. ایران در رتبه ۳۲ اهدای عضو در جهان قرار دارد و اسپانیا همچنان صدرنشین کشورهای اهدای عضو است.

*** چند نفر در ایران داوطلب اهدای عضو هستند؟**

آماری که درباره داوطلبان اهدای عضو داریم مربوط به کارت اهدای عضو است. حدود ۱۰درصد بزرگسالان در ایران کارت اهدای عضو دارند. ممکن است فکر کنیم این آمار خوب است و پیشرفت کرده‌ایم اما در انگلیس یک سوم بزرگسالان و در امریکا ۶۴ درصد بزرگسالان کارت اهدای عضو دارند. در این کشورها روی گواهینامه رانندگی تمایل به اهدای عضو ثبت می‌شود. در برخی دیگر از کشورها روی کارت شناسایی ملی ثبت می‌شود که دارنده این کارت داوطلب اهدای عضو است. در ایران روزانه ۱۶هزار گواهینامه رانندگی صادر می‌شود و اگر کسانی که داوطلب اهدای عضو می‌شوند روی گواهینامه آنها این‌موضوع ثبت شود، آمار داوطلبان اهدای عضو خیلی بالا می‌رود. در ایران فقط از طریق دانشگاه‌های مختلف علوم پزشکی کارت اهدا صادر می‌شود و به‌همین دلیل هنوز آمار داوطلبان اهدای عضو پایین است. از طرف دیگر با وجود اینکه فرهنگ اهدای عضو عمومی‌تر شده ولی هنوز هم در مجامع مختلف حتی در دانشگاه‌ها وقتی درباره آن صحبت می‌کنیم خیلی‌ها از موضوع مرگ مغزی و اهدای عضو اطلاع زیادی ندارند. به‌طور مثال در یکی از دانشگاه‌های شهید بهشتی وقتی درباره اهدای عضو صحبت می‌کردم از ۱۶۰ نفر فقط ۲۰نفر کارت اهدای عضو داشتند. آنها قشر جوان و تحصیلکرده بودند و اطلاعات آنها درباره اهدای عضو خیلی پایین بود. هنوز فرهنگ‌سازی ما کافی نیست و باید تلاش کنیم به روزی برسیم که تمام بزرگسالان کارت اهدای عضو داشته باشند و همه مردم بدانند که خداوند این توفیق را داده که رفتن آنها نجات‌بخش دیگران باشد.

*** هر سال چند نفر در ایران مرگ مغزی می‌شوند و چه تعداد از خانواده‌ها اعضای بدن عزیزشان را اهدا می‌کنند؟**

هر سال در کشور ۵ تا ۸هزار مرگ مغزی اتفاق می‌افتد که تقریباً نیمی از آنها طبق آمار جهانی قابلیت اهدای عضو دارند یعنی حدود ۳هزار نفر، اما متأسفانه خانواده یک هزار بیمار مرگ مغزی در بهترین شرایط اعضای بدن عزیزشان را اهدا می‌کنند. قبل از کرونا آمار اهدای عضو خیلی پایین آمد و هنوز هم بیش از نیمی از موارد مرگ مغزی مناسب ما اهدا نمی‌کنند که این نشان‌دهنده این است که هنوز فرهنگ‌سازی مناسبی در این زمینه انجام نشده است. یک انسان ۸عضو قابل اهدا دارد. قلب، ۲ریه، ۲کلیه، کبد، لوزالمعده و روده. اگر خانواده‌ای

دیرتر از زمان مناسب به اهدای عضو رضایت بدهد، ۸عضو سالم بدن به‌دلیل سمومی که از مغز ترشح می‌شود لحظه به لحظه عملکردشان مختل می‌شود. یعنی اگر لحظه اول یا همان ۲روز بعد از مرگ مغزی ۸عضو قابل اهدا باشد، سموم کیفیت اعضا را بشدت پایین می‌آورند به‌طوری‌که بعد از چند روز ممکن است ۴عضو قابل اهدا شود. وقتی دوهزار نفر اهدای عضو نمی‌کنند و ۸عضو سالم آنها که قابل اهدا بودند اهدا نمی‌شود، یعنی هزاران عضو سالم که می‌توانست زندگی‌بخش باشند زیر خاک می‌روند. این در حالی است که فرهنگ ایثار با گوشت و پوست و خون مردم ما عجین است و انسان‌ها راضی به ناراحتی اطرافیان نیستند. ۳سال وزارت بهداشت بودم و یکی از دغدغه‌هایی که داشتیم تهیه دستگاه دیالیز برای مناطق مختلف کشور بود. دوهزار و ۸۰۰ دستگاه دیالیز نیاز داشتیم و هر سال ۸۰ تا ۱۰۰ دستگاه دیالیز دراختیار ما قرار می‌گرفت تا بین بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مختلف کشور توزیع کنیم و باید نیازسنجی می‌کردیم که در کجا به این دستگاه‌ها نیاز بیشتری دارند. علاوه بر آن بیمار دیالیزی باید هر روز مسیرهای طولانی را طی کند و خودش را به مرکز دیالیز برساند در حالی‌که کیفیت زندگی این بیمار پایین است. حالا در نظر بگیرید به‌جای دیالیز یک کلیه به او بدهیم. این فرد می‌تواند به‌راحتی زندگی کند و حتی سرکار برود و قهرمان ورزشی شود. بنابراین خیلی مهم است وقتی دوهزار نفر بیمار مرگ مغزی اهدای عضو نمی‌کنند یعنی معادل ۶هزار انسانی که می‌توانند نجات پیدا کنند از بین می‌روند.

*** کما و مرگ مغزی چه فرقی دارند و چرا هنوز هم برخی خانواده‌ها برای اهدای عضو بیمار مرگ مغزی رضایت نمی‌دهند؟**

مرگ مغزی فرق زیادی با کما دارد. قلب انسان یک عضله است که وقتی به عضله برق وصل می‌کنیم منقبض می‌شود. این برق از کجا می‌آید که باعث منقبض شدن قلب می‌شود و ۶۰ تا ۱۰۰ بار در دقیقه خون را در داخل بدن پمپاژ می‌کند؟ باتری کوچک اتوماتیکی در بافت عصبی بالای قلب وجود دارد که به آن گره پیش‌آهنگ می‌گویند که با جابه‌جا کردن یون‌ها امواج الکتریکی تولید می‌کنند. این از شگفتی‌های آفرینش است که خیلی منظم این امواج در طول رشته‌های عصبی منتشر می‌شوند و قلب را منقبض می‌کنند. برای اینکه این گره کوچک این کار را انجام بدهد به اکسیژن نیاز دارد. اکسیژن از ریه‌ها می‌رسد. ما با ریه‌ها نفس می‌کشیم و از ساقه مغز فرمان نفس می‌آید. ما مرتب نفس می‌کشیم بدون‌آنکه متوجه باشیم. اکسیژن به این گره می‌رسد و آن هم کار خودش را انجام می‌دهد و قلب خون را پمپاژ می‌کند و خون در همه اعضای بدن به گردش درمی‌آید. این گره یک خاصیت شگفت‌انگیز دیگری هم دارد. اگر اکسیژن قطع شود ۶ تا ۸ دقیقه بدون اکسیژن هم می‌تواند مثل یک خازن، امواج الکتریکی تولید کند. قلبی که از بدن بیمار خارج و روی میز اتاق عمل قرارمی گیرد هنوز تپش دارد بدون اینکه به‌جایی وصل باشد. برخی از خانواده‌ها تصور می‌کنند وقتی بیمارشان با کمک دستگاه نفس می‌کشد و قلب تپش دارد بیمارشان زنده است درحالی‌که مرگ مغزی یعنی مغز مرده است. آنها تصور می‌کنند بیمارشان اگر با این دستگاه به تنفس ادامه دهد و جریان خون ادامه پیدا کند، ممکن است بیمار بعد از مدتی از مرگ مغزی خارج شود. بیماری را تصور کنید که پاهایش به‌دلیل عفونت سیاه شده است. با توصیه همه پزشکان بخشی از این پا باید قطع شود تا عفونت به بقیه بدن وارد نشود. همه می‌دانند که اگر این پا قطع نشود بافت مرده می‌تواند مواد سمی را داخل خون آزاد کند و همه سلول‌های بدن را از بین ببرد. مغز مرده را نمی‌توان جدا کرد و مغزی که تمام سلول‌هایش مرده است، می‌تواند سمومی از خود آزاد کند که وارد جریان خون شده و همه سلول‌های بافت‌های بدن را از بین ببرد. برای همین می‌گوییم که ۸عضو بیمار مرگ مغزی در هفته اول قابل اهدا است ولی در هفته‌های بعد کیفیت اعضای بدن پایین می‌آید. متأسفانه مواردی داشتیم که خانواده تصور می‌کردند بیمارشان برمی‌گردد یا معجزه اتفاق می‌افتد ولی روزی که به اهدای عضو رضایت دادند هیچ عضوی قابل اهدا نبود. یک بیمار مرگ مغزی را حداکثر ۲هفته می‌توانیم نگه داریم و اگر دیرتر اعضای بدنش برداشت شود، کیفیت قابل‌قبولی نخواهد داشت؛ اما در کما برخلاف مرگ مغزی سلول‌های مغز از بین نمی‌روند. ممکن است یک نفربه دلیل افت قند خون به کما برود که بعد از تزریق انسولین هوشیار می‌شود. در کما سلول‌ها سر جای خودشان قرار دارند اما کار نمی‌کنند. حالا ممکن است این بیمار بلافاصله بعد از تزریق قند از کما خارج شود یا سال‌ها طول بکشد که از کما بیرون بیاید. بنابراین بازگشت دوباره بیمار به کما رفته به‌دلیل اینکه ساختمان سلول سر جای خودش قرار دارد امکان‌پذیر است اما در مرگ مغزی این‌گونه نیست.

*** چه کسانی مرگ مغزی را تأیید می‌کنند و روند قانونی این تأیید به چه شکل است؟**

در بیمارستان وقتی یک بیمار کمای عمیق در کنار یک بیمار مرگ مغزی در آی‌سی‌یو بستری می‌شود، تشخیص آنها بسیار سخت است چون هر دو نفر آنها زیر دستگاه تنفس مصنوعی قرار دارند و در صفحه مانیتور ضربان هر ۲ نشان می‌دهد که قلبشان کار می‌کند ولی هوشیار نیستند. تشخیص مرگ مغزی با تیم اهدای عضو است که در این زمینه تبحر دارند. آنها علائم مرگ مغزی را بررسی می‌کنند و اینکه آیا بیمار مرگ مغزی شده و یا در کما قرار دارد. این متخصصان باید تأیید کنند. خیال مردم راحت باشد اگر حتی یک سلول داخل مغز زنده باشد، اعضای بدن این فرد اهدا نمی‌شود. متخصص مغز و اعصاب دو بار نوار مغزی می‌گیرد و این نوار مغزی باید صاف باشد. تا زمانی‌که یک سلول در مغز زنده باشد اجازه اهدا داده نمی‌شود. حتی اگر در بیمارستان‌اصطلاح مرگ مغزی هم به کار رود و کسی بگوید بیمار مرگ مغزی شده تا زمانی‌که این موضوع اثبات نشود، اهدای عضو انجام نمی‌گیرد. در کشورهای دیگر یک پزشک مرگ مغزی را تأیید می‌کند اما در ایران ۴ پزشک مرگ مغزی را تأیید می‌کنند. برخی از آنها با حکم وزیر بهداشت انتخاب می‌شوند. این چهار نفر متخصص مغز و اعصاب، جراح مغز و اعصاب، متخصص داخلی و متخصص بیهوشی هستند. متخصص مغز و اعصاب و جراح مغز و اعصاب تأیید می‌کنند این فرد صدمه مغزی دیده و امیدی به زنده بودن مغز نیست و متخصص داخلی و بیهوشی تأیید می‌کند هیچ چیز دیگری که بتواند علائم مرگ مغزی را تقلید کند وجود ندارد. حکم پزشکان تأیید کننده مرگ مغزی را شخص وزیر بهداشت صادر می‌کند و این به‌دلیل اهمیت آن است.این پزشکان به شکل جداگانه باید بیمار مرگ مغزی را معاینه کنند و نباید با هم باشند چون ممکن است نتیجه معاینه آنها روی یکدیگر تأثیر بگذارد. بعد از اینکه این ۴ پزشک متخصص، مرگ مغزی را تأیید کردند متخصص پزشکی قانونی کار آنها را تأیید می‌کند و از نظر قانونی جای هیچ شبهه‌ای نیست که این فرد مرگ مغزی شده است.

*** برای فرهنگ‌سازی اهدای عضو چه کارهایی باید انجام بدهیم؟**

مردم باید درباره مرگ مغزی اطلاعات خودشان را افزایش بدهند. متأسفانه هنوز اطلاعات مردم کم است. باید به مردم اطلاع‌رسانی کنیم که چطور مغز از بین می‌رود و چرا با وجود از بین رفتن مغز قلب هنوز کار می‌کند. باید آن‌قدر اطلاع‌رسانی کنیم که همه نسبت به این موضوع دانش پیدا کنند. علاوه بر آن باید نظرمان راجع به مرگ مغزی را به اطرافیان بگوییم. به آنها بگوییم که نظرمان راجع به اهدای عضو چیست. مردم اسپانیا آن‌قدر که نسبت به فوتبال اطلاعات دارند و آن را می‌شناسند نسبت به مرگ مغزی هم اطلاعات خوبی دارند و آن را می‌شناسند. ما باید به این اندازه فرهنگ‌سازی کنیم. مسئولان و تهیه‌کنندگان برنامه‌های صداوسیما هم باید در این زمینه اطلاعات داشته و نباید از مردم عقب باشند. تهیه‌کننده برنامه ممکن است نسبت به این موضوع اشراف نداشته باشد و مصاحبه شونده هر حرفی را بزند. همین حرف‌ها می‌تواند تأثیر منفی در اهدای عضو داشته باشد و حتی خانواده اهداکنندگان را تحت‌تأثیر قرار بدهد. اگر یک نفر دربرنامه تلویزیونی ادعا کند مرگ مغزی شده و دوباره به زندگی بازگشته است اثر نامطلوبی بر خانواده اهداکننده اعضا می‌گذارد و باعث می‌شود آمار بیمارانی که به دلیل نرسیدن عضو پیوندی از بین می‌روند، افزایش پیدا کند.

مقاله

راه های پیشگیری از آسیب های اجتماعی در مدارس

اصلان رمضانی مخشری*

مقدمه :

مطالعه آسیب های اجتماعی اعم از نابهنجاری ها و انحرافات اجتماعی یکی از مهم ترین موضوعات مورد بحث جامعه شناسی است. اگر چه مساله نابهنجاری امری نسبی است و از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است. اما آن چه که در این مبحث مطرح می باشد این است که چه عواملی آسیب های اجتماعی را کاهش یا افزایش می دهد و به بیانی دیگر چگونه می توان آسیب های اجتماعی را در بین دانش آموزان کنترل نمود؟

تعریف آسیب های اجتماعی:

آسیب های اجتماعی به مفهوم رفتاری است که به طریقی با انتظارهای مشترک اعضای یک جامعه سازگاری ندارد و بیشتر افراد آن را ناپسند و نادرست می دانند در واقع هر جامعه از اعضای خود انتظار دارد از ارزش ها و هنجارها تبعیت کنند اما هموا ره عده ای پیدا می شوند که پاره ای از این ارزش ها و هنجارها را رعایت نمی کنند ،جامعه افرادی که هماهنگ و همساز با ارزش ها و هنجارها باشند سازگار یا همنوا و اشخاصی را که بر خلاف آن ها رفتار می کنند ناسازگار یا نا همنوا می خواند از میان افراد نابهنجار کسی که رفتار نابهنجارش زودگذر نباشد و دیر گاهی دوام آورد، کجرو یا منحرف نامیده می شود و رفتار او را انحراف اجتماعی یا آسیب اجتماعی می خوانند.

به طور کلی دو نوع نگرش نسبت به آسیب های اجتماعی وجود دارد: یک نگرش که عمدتا متوجه چگونگی جرایم و نفس بزه های اجتماعی، شیوع، گستردگی، عمق، شدت و آثار ناصواب آن است. صاحبان چنین نگرشی، بیشترین هم خود را در جهت وضع قوانین گوناگون، ساخت زندان، مبارزه با کزروی ها و بالطبع مبارزات مجرمان، به خصوص از طریق زندان صرف می کنند. نگرش دیگر معطوف به خصیصه ها و توانایی های اجتماعی فرد بزهکا ر است که مرتکب جرم می شود. در واقع در این نوع نگرش محور توجه، انسان هایی اند که به رغم مشابهت فراوان با بسیاری از همسالان خود ا ز نظر شرایط اقتصادی اجتماعی، به علل خاصی (عدم آشنایی کافی با مهارت های اجتماعی) دچار آسیب پذیری اجتماعی می گردند؛ صاحبان چنین نگرشی دوست دارند تمام اندیشه و تلاش خود را متوجه شناخت عوامل پدید آیی رفتارهای آسیب زا نمایند و راه حل مسئله را در آموزش و ارتقای سطح آگاهی مهارت ها و انطباق پذیری اجتماعی فرد می دانند.

بر اساس دو نوع نگرش فوق الذکر می توان دو راه حل برای مسئله (کاهش آسیب های اجتماعی) مطرح نمود: راه حل اول که اصطلاحا می توان آن را حل کوتاه مدت، سطحی و سخت افزاری نامید، به مواردی چون ساخت زندان، استخدام پلیس بیشتر، تشدید مجازات مجرمان و... به منظور مبارزه با مجرمان تاکید دارد در حالی که راه حل دوم در مقابل راه حل اول قرار دارد و اصطلاحا راه حل دراز مدت، ریشه ای و نرم افزاری نامیده می شود به عواملی چون فرهنگ سازی، اجتماعی کردن، درونی نمودن ارزش ها و هنجارهای جامعه از طریق آموزش مهارت های اجتماعی تاکید دا رد.

در واقع می توان چنین استنباط نمود که ریشه اغلب آسیب پذیری های اجتماعی دانش آموزان را باید در عدم آشنایی کافی آن ها با مهارت های اجتماعی دانست؛ به طوری که نقطه کوری در رشد شخصیت دلخواه و اجتماعی جوانان وجود دارد و آن این است که متاسفانه جوانان امروز خود را نشناخته اند و به توان و قدرت فراوان خود باور ندارند، به علاوه از شرایط و موقعیت اجتماعی خود آگاهی ندارند. مع الوصف بررسی نقش آموزش مهارت های اجتماعی در کاهش آسیب های اجتماعی در مدارس ضروری است.

پیشنهادات (راه های ارتقای مهارت های اجتماعی دانش آموزان)

-توجه به مهارت های اجتماعی در برنامه ریزی درسی
– نشان دادن تاثیرات مخرب دوستان نالایق و ناشایست و چگونگی قطع ارتباط با آنان
– آموزش مهارت های زندگی نظیر دوست یابی و خودشناسی و کشف خود در محتوای آموزشی
–اجازه ابراز وجود به دانش آموزان از طریق دادن مسئولیت و استفاده از دیدگاه های آنان در مدرسه
– تقویت عزت نفس و احترام دانش آموزان توسط معلم
– تقویت ارزش های دینی دانش آموزان توسط معلمان
– تقویت ارزش های دینی در خانواده
– آموزش نه گفتن از کودکی در خانواده ها از طریق اهمیت دادن به اظهار نظر وی و شروع از موارد کوچک و غیر مهم.

*** دانشجوی ارشد حقوق – گرایش جزا و جرم شناسی**

آگهی دعوت سهامداران شرکت شعاع بتن شرق (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۴۳۱۶ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۲۶۲۴۸۳ جهت تشکیل جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه

بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت شعاع بتن شرق (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۴۳۱۶ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۲۶۲۴۸۳ دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه این شرکت راس ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه مورخه ۱۴۰۱/۰۳/۱۹ که در محل قانونی شرکت تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه : انتخاب بازرسین
آدرس : محل قانونی شرکت

مقام دعوت کننده : هیئت مدیره

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود عمومی شش‌دانگ پلاک ۲۴۱ واقع در شمام سنگ اصلی ۲۲ بخش ۲۰ گیلان از مالکیت فتحعلی و رضا حجت شمامی به‌عمل نیامده است و تحدید حدود کل پلاک فوق طبق تبصره الحاقی ماده ۱۵ قانون ثبت مقدور نگردیده است. در اجرای قانون تعیین تکلیف برابر رای به شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۸۰۰۴۰۰۰۷۹۸ مورخه ۱۴۰۱/۰۲/۲۰ به شرح ذیل:
۱ – شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۰۱/۲۲ مترمربع پلاک فرعی ۱۴۳۸ مفروز از پلاک ۲۴۱ واقع در شمام سنگ اصلی ۲۲ بخش ۲۰ گیلان واقع در شهرستان رودبار – شمام به‌نام پروانه برقی شمامی فرزند رضا رای صادر گردیده است.
لذا تحدید حدود شش‌دانگ پلاک ۱۴۳۸ مفروز از پلاک ۲۴۱ واقع در شهرستان رودبار – شمام - سنگ اصلی ۲۲ بخش ۲۰ گیلان در ساعت ۹ صبح مورخه ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ روز سه‌شنبه به عمل خواهد آمد.
چنانچه مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی واخواهی داشته باشند می‌توانند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی ظرف مدت سی روز اعتراض خود را با این اداره تسلیم نمایند.
۱۶۲ ر م الف ث
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳
رییس ثبت اسناد رودبار – علیرضا اکبری گیگاسری

**** آگهی حراج ****

اداره آموزش و پرورش شهرستان شفت درنظر دارد براساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۵ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، ملک ذیل را به‌صورت اجاره سه ساله از طریق حراج عمومی به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید:
ساختمان سابق مدرسه ابتدایی شهید حبیب زاده واقع در شهرستان شفت – روستای کوزان با قیمت پایه کارشناسی ماهیانه مبلغ ۱۹۰۰۰۰۰۰ ریال.
مهلت بازدید و دریافت شرایط حراج: از تاریخ نشر آگهی به مدت دو (۲) روز
محل دریافت برگ شرایط حراج: اداره آموزش و پرورش شهرستان شفت واقع در خیابان ۱۷ شهریور – ساختمان اداره آموزش و پرورش، واحد حقوقی – و نیز الصاق برگ شرایط حراج در تابلوی اعلانات اداره آموزش و پرورش شفت
تلفن تماس ۰۱۳۳۴۷۸۵۲۵۴

صغری شاد چوبری
مدیر آموزش و پرورش شهرستان شفت

**** آگهی حراج ****

اداره آموزش و پرورش شهرستان شفت درنظر دارد براساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۵ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، ملک ذیل را به‌صورت اجاره یک ساله از طریق حراج عمومی به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید:
یک کلاس در دبیرستان حضرت قائم (عج) ملاسرا (شیفت عصر) واقع در شهرستان شفت، ملاسرا با کاربری آموزشی با قیمت پایه کارشناسی ماهیانه مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال.
مهلت بازدید و دریافت شرایط حراج: از تاریخ نشر آگهی به مدت دو (۲) روز
محل دریافت برگ شرایط حراج: اداره آموزش و پرورش شهرستان شفت واقع در خیابان ۱۷ شهریور – ساختمان اداره آموزش و پرورش، واحد حقوقی – و نیز الصاق برگ شرایط حراج در تابلوی اعلانات اداره آموزش و پرورش شفت
تلفن تماس ۰۱۳۳۴۷۸۵۲۵۴

صغری شاد چوبری
مدیر آموزش و پرورش شهرستان شفت

**** آگهی حراج ****

اداره آموزش و پرورش شهرستان شفت درنظر دارد براساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۵ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، ملک ذیل را به‌صورت اجاره سه ساله از طریق حراج عمومی به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید:
شیفت عصر ساختمان مدرسه استثنایی شهید افتخاری واقع در شهر شفت – خیابان شهید مطهری با کاربری آموزشی با قیمت پایه کارشناسی ماهیانه مبلغ ۶۹۴۵۰۰۰ ریال.
مهلت بازدید و دریافت شرایط حراج: از تاریخ نشر آگهی به مدت دو (۲) روز
محل دریافت برگ شرایط حراج: اداره آموزش و پرورش شهرستان شفت واقع در خیابان ۱۷ شهریور – ساختمان اداره آموزش و پرورش، واحد حقوقی – و نیز الصاق برگ شرایط حراج در تابلوی اعلانات اداره آموزش و پرورش شفت
تلفن تماس ۰۱۳۳۴۷۸۵۲۵۴

صغری شاد چوبری
مدیر آموزش و پرورش شهرستان شفت